

علیرضا صبوری، استاد پر افتخار کاراته
رسالتش در قبال نوجوانان محله خیرآباد را فراتر از ورزش می داند

۵۴

قهرمان پروری در پناه مسجد



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

بی توجهی چندین ماهه به رنگ آمیزی
سرعتگیرها در معابر منطقه ۴، حادثه می آفریند
سرعت گیرهای بی نشان
تله های خطرناک

۳

بانوان محله سپس آباد، برای شناسایی ظرفیت های
مردمی در خانه همه اهالی را می زنند
همه با هم، یک خانواده بزرگ و مقاوم

۷



۶

افتتاح یک ناوایی و زمین چمن ورزشی
رونق و نشاط اجتماعی را برای اهالی محله سپس آباد رقم زد
تنور روشن، زمین سبز



برای پیوستن به کانال شهرآرا محله
منطقه ۳ و ۴ کد بالا را اسکن کنید

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۹۲۵۸۶۶۷ در پیام رسان ایتا بفرستید.

شما چه خبر

○ آغازی ساده همراه با امید

معصومه برزقونی، مسئول گروه جهادی «شهدای برزقون» در محله طبرسی شمالی، با همراهی خیران و مشارکت قرارگاه سپاه شهید برونسی، هفته گذشته هشت سری جهیزیه کامل به زوج های جوان در آستانه آغاز زندگی مشترک اهدا کرد.

این جهیزیه ها شامل اقلام اساسی منزل از جمله گاز پنج شعله، قالی شش متری، جاروبرقی، پنکه، ظروف آشپزخانه، کتری و سماور، قاشق و چنگال و ماشین لباس شویی بود و در محلات طبرسی شمالی، جاده سیمان و میثم شمالی میان خانواده های نیازمند توزیع شد.



○ تجربه ای که به خدمت محله آمد

سید مصطفی فیروزآبادی، شهروند محله گاز و عضو شورای اجتماعی این محله، پس از سال ها خدمت در شهرداری و بازنشستگی از سازمان مدیریت پسماند، این روزها تجربیات خود را در اختیار شهروندان مشهدی قرار می دهد. او با حضور در اجتماع شبانه مردمی محله خودش و سایر محلات مشهد، درباره فرهنگ شهروندی، تفکیک زباله از مبدا و شیوه های صحیح مدیریت پسماند آموزش می دهد.

این برنامه ها با استقبال شهروندان روبه رفته و فرصتی برای انتقال دانش و تجربه به نسل های جوان تر فراهم کرده است.



○ دختران مروارید در پای مطالعه «راز پرواز»

دختران «مروارید» محله سپس آباد، این روزها دورهمی های کتاب خوانی خود را با حال و هوایی صمیمی برگزار می کنند. باتوق این جمع دخترانه، پایگاه بسیج فدک در خیابان رسالت ۹۱ است؛ جایی که هر بار بهانه ای تازه برای مطالعه و گفت و گو شکل می گیرد.

این بار اعضای گروه، کتاب «راز پرواز» را برای دورهمی خود انتخاب کرده اند؛ اثری که به روایت هایی از دوران ریاست جمهوری شهید آیت الله رئیسی می پردازد و محور گفت و گوهای این نشست کتاب خوانی قرار گرفته است.

○ ۵۰۰ خدمت برای سلامت دندان های نیازمندان

محمدرضا فیضی، هفته گذشته با همکاری بسیج جامعه پزشکی بیمارستان قائم (عج) و موقوفه مرحوم عبدالمجید رضوی، طرح محرومیت زدایی و ارائه خدمات دندان پزشکی در محله قرقی اجرا شد.

این برنامه در پایگاه شهید کتانی واقع در بولوار شهید کشمیری برگزار شد و طی آن، خدماتی از جمله ترمیم، کشیدن و پرکردن دندان به شهروندان به ویژه از دهک های یک تا سه ارائه شد.

در مجموع، حدود پانصد خدمت دندان پزشکی در قالب این طرح به ساکنان نیازمند محله ارائه و ثبت شد.



اردوی نیم روزه اهالی منطقه ما با حضور مادران و فرزندان برگزار شد مهرمادری ها، میهمان امامزادگان یاسر و ناصر(ع)

محمدرضا فیضی، جمعی از اهالی محله مهر مادر در قالب اردوی فرهنگی زیارتی به زیارت امامزادگان یاسر و ناصر(ع) در منطقه طریقه رفتند. این برنامه با همکاری شورای اجتماعی محله مهر مادر و مشارکت شهرداری برگزار شد و حدود شصت نفر از مادران، کودکان و نوجوانان محله در آن حضور داشتند. شرکت کنندگان در این اردوی نیم روزه ضمن بهره مندی از فضای معنوی این بقاع متبرکه، در برنامه های متنوع فرهنگی و تفریحی نیز شرکت کردند. برگزاری مسابقات شاد و خانوادگی از جمله طناب زنی، اجرای برنامه های آموزشی و سخنرانی با محوریت جوانی جمعیت و تحکیم بنیان خانواده از بخش های مختلف این برنامه بود.



مخزن های تمیز، کانال های پاکیزه

شست و شو و ضد عفونی مستمر مخازن زباله و جایگاه های جمع آوری پسماند در منطقه ۳ ادامه دارد. در اردیبهشت سال جاری، ۵۵۰ مخزن زباله در مجموع ۱۰ هزار و ۲۵۰ بار شست و شو و محللول پاشی شد. همچنین بیش از ۱۰۰ هزار متر از کانال های جمع آوری آب های سطحی و کانال های روباز منطقه لای روبی شد.

آسفالت ریزی برای هموار شدن «بهمن»

عملیات روکش آسفالت خیابان بهمین ۴/۳۷، آدینه یک، در محله بهمین به پایان رسید. این پروژه به مساحت ۱۴۵۰ متر مربع و با مصرف ۱۷۰ تن آسفالت اجرا شد. برای اجرای این طرح بیش از ۷ میلیارد ریال اعتبار هزینه شده است.

آموزش شهری برای مقابله با جوندگان

کارگاه آموزشی شناخت جوندگان، روش های صحیح طعمه گذاری و پیشگیری از بیماری سالک با حضور ۶۵ نفر از عوامل خدمات شهری و فضای سبز منطقه ۳ برگزار شد. در این دوره آموزشی، شیوه های نوین کنترل جمعیت جوندگان و الزامات اجرای صحیح دستورالعمل های بهداشتی با توجه به افزایش فعالیت موش ها در فصل گرما آموزش داده شد.



شهر خبر



بی توجهی چندین ماهه به رنگ آمیزی سرعت گیرها در معابر منطقه ۴، حادثه می آفریند

سرعت گیرهای بی نشان تله های خطرناک

محمد رضا فیضی اگر از خیابان های طبرسی شمالی، میثم شمالی، محصل، بوکانی و مسیرهای اطراف عبور می کنید، بهتر است آماده یک غافلگیری ناگهانی هم باشید؛ این غافلگیری در قالب سرعت گیرهایی بی رنگ، درست وسط کوچه و خیابان ظاهر می شود! مدت ها است در این معابر، سرعت گیرهایی نصب شده است که نه رنگ مشخصی دارد و نه نشانه ای که راننده را از قبل آماده کند. همین موضوع باعث شده است بسیاری از شهروندان، مریبان رانندگی و حتی خودروهای امدادی، روزانه با چالش هایی جدی روبه رو شوند. سری به خیابان ها و کوچه های منطقه می زنیم تا مشکل را از نزدیک بررسی کنیم.



یک طرف کشیده می شود. آن را پیش تعمیرکار برده ام و حدود ۱۰ میلیون تومان برایم هزینه برآورد کرده است. اما هنوز نتوانسته ام پول تعمیر و لوازم را کامل جور کنم.

سؤال های بی جواب رانندگان!

رضایی در ادامه، گلایه هایش را در قالب چند پرسش مطرح می کند؛ پرسش هایی که به گفته خودش بارها در ذهنش تکرار شده اند؛ «چرا شهرداری به سمت هوشمندسازی نمی رود؟ چرا به جای این تعداد سرعت گیر، دوربین کنترل سرعت نصب نمی شود؟ چه ضرورتی دارد در فاصله حدود دو بیست متری، سه سرعت گیر با ارتفاع زیاد احداث شود؟ مهم تر از همه، چرا قبل از نصب سرعت گیرها، فکری برای رنگ آمیزی و دیده شدن آن ها نمی شود؟ این ها سؤال هایی است که همیشه در ذهنم مرور می شود و پاسخی برایشان پیدا نمی کنم.»

سرعت گیرهای امداد رسانی!

چند دقیقه ای مهمان آتش نشانان ایستگاه شماره ۸ می شویم. یکی از نیروهای این ایستگاه که نمی خواهد نامش در گزارش ذکر شود، از تجربه روزانه اش در تردد در میان خیابان های منطقه می گوید. او در ابتدای صحبت هایش به تعدد سرعت گیرها اشاره می کند و ادامه می دهد: در بولوار طبرسی و خیابان های اطراف آن مثل میثم شمالی و محصل، معمولاً ترافیک وجود دارد و خودروها به طور طبیعی با سرعت کمی حرکت می کنند. به همین دلیل گاهی برایمان سؤال است که چرا این تعداد سرعت گیر با فاصله کم در این معابر نصب شده است. این آتش نشان سپس درباره تأثیر سرعت گیرها بر مأموریت های امدادی می گوید: برای ما هر ثانیه اهمیت دارد و تلاش می کنیم در کوتاه ترین زمان ممکن، خودمان را به محل حادثه برسانیم. اما وجود برخی از این سرعت گیرها باعث می شود ناچار به کاهش سرعت شویم و همین موضوع گاهی زمان رسیدن ما را بیشتر می کند. او ادامه می دهد: برخی رانندگان برای عبور از ترافیک، پشت سر خود رو آتش نشانی حرکت می کنند. وقتی به سرعت گیر می رسیم، ما مجبور به ترمز گرفتن هستیم و در بعضی موارد خودروهای پشت سر هم غافلگیر می شوند و احتمال برخورد وجود دارد. این آتش نشان در ادامه به استهلاک خودروهای عملیاتی اشاره می کند و می گوید: خودروهای آتش نشانی به دلیل حمل آب و تجهیزات، وزن زیادی دارند. گاهی هم سرعت گیرهایی که رنگ آمیزی نشده است، به موقع دیده نمی شود و راننده خودرو ناگهان با آن ها مواجه می شود. در چنین شرایطی، فشار زیادی به خودرو وارد می شود و احتمال آسیب دیدن آن افزایش پیدا می کند؛ این اتفاق می تواند روند خدمت رسانی را هم تحت تأثیر قرار دهد.

سرعت گیرهایی که دیده نمی شود

پنجتن ۴۵، تقاطع اول کوچه شهید بوکانی ۱۹، چهار سرعت گیر در چهار طرف این تقاطع احداث شده است و علامت و نشانی هم ندارد. نزدیک یکی از سرعت گیرها می شویم. آن ها با ارتفاع زیادشان، بارها و بارها خودروها را به زمین کوبیده اند، به طوری که آسفالت خراشیده شده است. کمی آن طرف تر، پراید سفید رنگی کنار خیابان متوقف شده و خانم مربی مشغول توضیح نکات رانندگی به کارآموزش است. هر چند دقیقه یک بار به مسیر روبه رو اشاره می کند و درباره نحوه عبور از موانع و رعایت سرعت هشدار می دهد. وقتی موضوع گزارشمان را با او مطرح می کنیم، گلایه هایش شروع می شود. زهرا طالبی که چهار سال است در محدوده پنجتن فعالیت می کند، می گوید: اینجا سرعت گیرهای قدیمی، رنگشان از بین رفته است و به سختی دیده می شوند. سرعت گیرهای جدیدی هم که از چند ماه پیش ساخته شده، هنوز رنگ آمیزی نشده است و همیشه در در دست می کند، به خصوص برای افرادی که برای اولین بار مسیرشان به این منطقه می خورد.

او که روزانه ساعت ها در خیابان های پنجتن و شهرک صبا تردد می کند، از مشکلاتی می گوید که این وضعیت برای مریبان و کارآموزان ایجاد کرده است؛ «بارها پیش آمده که از یک مسیر عبور کرده ام و یکی دو ساعت بعد با کارآموز دیگری دوباره از همان خیابان رد شده و با سرعت گیر جدیدی روبه رو شده ام که هیچ علامت یا رنگی ندارد. این مواقع کارآموز دچار استرس می شود و در ادامه روند آموزش کار تأثیر منفی دارد.»

هزینه تراشی سرعت گیرها

محمد رضایی، یکی از ساکنان محله شهید قربانی، از زاویه دیگری به ماجرا نگاه می کند: از پشت فرمان خودرویی که به گفته خودش قربانی یکی از همین سرعت گیرهای بی علامت شده است. او که هر روز برای رفتن به محل کار از خیابان میثم شمالی عبور می کند، ماجرای خسارت خودرویش را این گونه روایت می کند: حدود سه ماه قبل، خیابان میثم شمالی را روکش آسفالت کردند و من هم از همان زمان، این مسیر را برای رفت و آمد به محل کار انتخاب کردم. مدتی بدون مشکل از این خیابان عبور می کردم اما یک روز صبح ناگهان سرعت گیری با ارتفاع زیاد مقابلم سبز شد؛ طوری غافلگیر شدم که فرصت واکنش نداشتم و خودرو با ضربه شدیدی به کف آسفالت برخورد کرد.

او با اشاره به هزینه های تعمیر خودرو ادامه می دهد: از همان روز جلوبندی ماشین آسیب جدی دید. خودرو صدای می دهد و به



معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۴ از فسخ قرارداد پیمانکار به دلیل عمل نکردن به تعهدات خود خبر داد

سرعت کاه های بی رنگ در انتظار بازگشایی اعتبارات

است که پس از تخصیص و بازگشایی اعتبارات، عملیات رنگ آمیزی سرعت کاه ها به سرعت آغاز خواهد شد. مرتضی محمدی منشی درباره خودروهایی که از طریق سرعت کاه ها دچار خسارت می شوند، می افزاید: شهروندان می بایست در معابر متناسب با سرعت هایی که توسط پلیس راهور مشخص شده است، تردد کنند. چنانچه خودروهایشان به دلیل سرعت کاه دچار خسارت شد، می توانند به پلیس راهور مراجعه و مستندات لازم را ارائه کنند. در صورتی که پلیس راهور تأیید کرد، مکاتبه با شهرداری انجام می شود و روند پرداخت خسارت در شهرداری طی خواهد شد.

معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۴ در پاسخ به مطالبات شهروندان درباره رنگ نشدن سرعت کاه های معابر منطقه می گوید: برای رنگ آمیزی سرعت کاه ها، هر ساله پیمانکارانی از سوی شهرداری مشخص می شود تا این کار را انجام دهند. طبق بررسی های صورت گرفته، سال گذشته، پیمانکار مربوط به تعهدات خود عمل نکرده و به همین دلیل، قرارداد او فسخ و از ادامه فعالیت جلوگیری شده است.

او در ادامه بیان می کند: امسال، رنگ آمیزی سرعت کاه ها به سازمان مدیریت و مهندسی شبکه حمل و نقل شهرداری مشهد واگذار شده



علیرضا صبوری، استاد پرافتخار کاراته
رسالتش در قبال نوجوانان محله خیرآباد را فراتر از ورزش می‌داند

قهرمان پروری در پناه مسجد

۳

داستان جلد

فرزانه شهامت «سری به نیزه بلند است، در برابر زینب / خدا کند که نباشد سر برادر زینب». کودکی روضه می‌خواند و کودکانی دیگر، به سینه می‌زنند. در گوشه و کنار این خانه که مزین به پرچم‌های روضه ابا عبا...^(۱) است، بزرگ‌ترها هم نشسته‌اند و مشق عشق فرزندانشان در هیئت مکتب علی اصغر^(۲) را با شوق و رضایت، تماشا می‌کنند. امادر مرد بلندقامتی که کنار در ورودی ایستاده و رخت عزای سیدالشهدا^(۳) را به تن دارد، خبری از آرام و قرار نیست. او که در باشگاه ورزشی مسجد بلال، برای هنرجویان کاراته، استادی سخت‌گیر و جدی است، اکنون خودرانه گرداننده اصلی هیئت نوجوانان، بلکه یک خادم می‌داند و بیس. دادن میدان عمل به امیدهای محله خیرآباد و محله مسلم و مهیا کردن آن‌ها برای موفقیت‌های توأمان در زندگی و ورزش، بزرگ‌ترین دغدغه علیرضا صبوری به شمار می‌رود.

در پناه مسجد

کودکی علیرضا در دهه ۶۰ سپری شد؛ دوره‌ای که هزینه‌کردن برای ورزش کودک، جزو اولویت‌های عامه مردم به شمار نمی‌رفت، آن‌هم در خانواده صبوری که از نعمت حضور مرد خانواده، محروم بود و امور اقتصادی اش، به سهولت نمی‌گذشت.

او قصه‌شنایی خود با هنر رزمی کاراته را این‌طور بازگو می‌کند: برادر بزرگ‌ترم، بدن‌سازی کار می‌کرد. کنارش اهل هنرهای رزمی هم بود. من به واسطه او و دو تا از دوستان مسجدی ام، جذب کاراته شدم، وقتی نه‌ساله بودم.

«مسجد» واژه‌ای است که در زندگی صبوری، نقشی کلیدی داشته است. او در صحبت‌هایش از مسجد امام خمینی^(۴) بجنورد یاد می‌کند و رشد ورزشی و فکری اش را مرهون فضای امن، غنی و آرامش بخش آن می‌داند؛ مسجدی که در اغتشاشات دی ماه پارسال، از گزند نفرت آشوبگران در امان نماند و به جرم پایگاه بودن برای فعالیت‌های گسترده، آسیب‌های فراوانی دید.

اول و آخر فعالیت‌ها، در مسجد بود

«جلسه‌های هفتگی سیاسی داشتیم. مسئولان مختلف می‌آمدند و ما را با رویه انقلاب اسلامی آشنا می‌کردند.» صبوری این را می‌گوید و ادامه می‌دهد: جلسات قرآن مسجد را هم خوب یادم هست که چقدر باشکوه برگزار می‌شد؛ با حضور قاریان برجسته‌ای مثل استاد فروغی و شاکر نژاد. فضای کنون فرهنگی اش را هم دوست داشتم و فعالیت می‌کردم. با تدبیر مدیر کنون، یک اتاق مختص مطالعه شده بود. من و بقیه نوجوان‌های مسجدی، درس و مشقمان را همان‌جا انجام می‌دادیم و رفع اشکال می‌کردیم.

بالبخند اضافه می‌کند: بعضی شب‌ها که با پسرهای همسایه می‌رفتم هیئت، دیروقت می‌رسیدم خانه و خانواده یک طورهایی از شر شیطنت‌ها و انرژی سرشار من، درمان بودند. می‌دانستند اگر در خانه بمانم و انرژی ام در راه درستی خرج نشود، خرابی به بار می‌آورد. استادانش را یک‌به‌یک به یاد می‌آورد، به ویژه آن‌هایی که برای حرفه‌ای شدن او، در ورزش، سنگ تمام گذاشتند؛ باین حال، بجنورد، شهرستانی کوچک بود و سطح حرفه‌ای بودن کلاس‌های ورزشی اش با مشهد از زمین تا آسمان تفاوت داشت.

اشتغال زود هنگام

زیرزمین مسجد امام خمینی^(۵) به باشگاه‌های ورزشی امروزی و امکاناتش، شباهتی نداشت و احتمال آسیب دیدگی در آن، بالا بود؛ «کف موزاییک بود، تشک درست و حسابی نداشتیم. آن‌هایی هم که بود، ابره‌ایش خراب شده بود. مادرم به عنوان سرپرست من و بزرگ‌تر خانواده، همیشه نگران آسیب دیدگی ام بود. هزینه‌های باشگاه با شرایطی که خانواده مادراشت هم مزید بر علت شده بود برای مخالفتش. نقطه مثبت ماجرا، اتصال باشگاه به مسجد بود و این، تاحد زیادی مادرم را از سالم بودن محیط، خاطر جمع می‌کرد. کمربند زرد را که گرفتم، دیگر لازم نبود پول توجیبی‌هایم را برای شهریه‌اش کنار بگذارم؛ کلاس داری ام شروع شد و هزینه باشگاه از دوش من و خانواده ام برداشته شد.»

انتخاب رشته‌ای کاربردی مثل حسابداری

برای دبیرستان، فرصت را برای ورود زود هنگام او به بازار کار فراهم کرده بود. می‌گوید: پانزده ساله بودم که کارم را به عنوان حسابدار در یکی از عطاری‌های بزرگ بجنورد شروع کردم. بنکدار بود و عمده می‌فروخت و من باید گردش مالی اش را حساب و کتاب می‌کردم.

مدرسه، باشگاه و رفتن به سرکار، حسابی سرش را شلوغ کرده بود. وقت‌های باقی مانده را هم در مسجد می‌گذراند؛ مسجدی که برای تمام نیازهای نوجوانی در آن سن و سال، حرفی برای گفتن داشت و به الگویی در ذهن علیرضا صبوری تبدیل شد که اکنون، مشابه آن را برای کودکان و نوجوانان محله خیرآباد، پیاده می‌کند.



به سمت مشهد

بهای حرفه‌ای شدن را با رفت و آمد های پیوسته میان بجنورد و مشهد می‌پرداخت. تابستان بود یازمستان، در برنامه‌اش تأثیری نداشت. ساعت ۶ صبح خودش را می‌رساند به پایانه اتوبوس های بین شهری و سه ساعت راه را طی می‌کرد تا به مشهد برسد. بعد هم یک راست به فلکه عدل خمینی و ساختمان شهرداری منطقه ۸ می‌رفت که کلاس های استاد پورحسن در آن برگزار می‌شد. این مسیر تکراری، عصر جمعه به صورت معکوس، انجام می‌شد و علیرضا را که جوانی بیست و هشت ساله و صاحب کمربند مشکی بود، حرفه‌ای‌تر از پیش، به کلاس هایش در بجنورد بازمی‌گرداند.

کمی بعد، ازدواج و انتخاب مشهد به عنوان سکونتگاه دائمی، فصل جدیدی را در باشگاه داری او در محلات مختلف مشهد آغاز کرد؛ «رسالت ۳۰» در قاطمیه، مجموعه ورزشی قدس در خیابان المهدی (ع)، خیابان شهید ابراهیمی در خیرآباد و چند جای دیگر در همین محدوده باشگاه داری می‌کردم. از حدود یک سال پیش، با پیشنهاد و استقبال مدیران مسجد بلال، باشگاه این مسجد را دست گرفتم.»



مسجد بلال، کانون فعالیت های تازه

برخلاف برخی دیدگاه های سنتی که با قائل بودن باشگاه به عنوان ضمیمه فعالیت های فرهنگی مسجد مخالف هستند، برخی دیگر مانند حجت الاسلام والمسلمین دسترس، امام جماعت و نیز هیئت امنای مسجد بلال واقع در خیابان شیخ صدوق، آن را به عنوان مکمل فعالیت های مسجد ضروری می‌دانند. حمایت های همه جانبه آنان از کودکان و نوجوانانی که مسجد را به عنوان خانه امن الهی، محلی برای رشد می‌بینند، ثمرات اولیه اش را خیلی زود و با قهرمانی های پی در پی هنرجویان این باشگاه در مسابقات قهرمانی استان و کشور نشان داد. صبوری، به عنوان مربی این باشگاه و دارنده کمربند مشکی دان ۶، گوشه ای از این موفقیت ها را خلاصه شرح می‌دهد: پارسال، بچه های مادر مسابقات استانی و کشوری ۵۴ مدال به دست آوردند. در بین این بچه ها، امید های قهرمانی در سطح آسیا را داریم و اگر پارسال، صدور ویزا برای حضورشان در مسابقات آسیایی، با چالش مواجه نمی‌شد. قطعاً افتخاراتی بیش از این به دست می‌آوردیم.

او می‌گوید: انتخاب تیم آکادمی ابوالصالح المهدی (ع) از مسجد بلال به عنوان پرافتخارترین تیم شرکت کننده در مسابقات قهرمانی کشور، افتخار دیگری بود که پاییز پارسال از آن نوجوانان منطقه ماسد. آن ها با هشت ورزشکار در مسابقات شرکت کرده بودند و پنج مدال طلا به دست آوردند.

رسالتی فراتر از ورزش

سه شنبه شب است و دورهمی هیئتی های مکتب حضرت علی اصغر (ع) در منزل یکی از نوجوانان برقرار است. هم زمانی این جلسه هفتگی با دومین شب از محرم، شور حضور در آن را دوچندان کرده است. ایاب و ذهاب برخی نوجوانان را علیرضا صبوری به عهده گرفته است و برخی دیگر، به همراه پدر هایشان به جلسه آمده اند. هر کس، وظیفه اش را می‌داند و امورات، از سوی کودکان و نوجوانان هفت تا پانزده ساله در حال انجام است. می‌دانند که همه کاره مراسم خودشان هستند و مسئولیت پذیری را از هم اکنون تمرین می‌کنند؛ از نصب بلندگو و راه اندازی سیستم صوت گرفته تا فضا آرای، تدارکات، کفش داری، پذیرایی و حتی مداحی. کودکی را که پشت بلندگو قرار گرفته است، می‌شناسیم. محمد طاهر رضایی است. قهرمان کشوری کاراته و امید محله خیرآباد که چندی پیش با او مصاحبه کرده بودیم. زیارت عاشورا می‌خواند و بلندگو را به ریفیکش، مرتضی براتی می‌دهد. او هم از قهرمانان کشوری کاراته است و از وقتی در فضای هیئت قرار گرفته است، مدح اهل بیت (ع) در کنار جزخوانی در اجتماعات شبانه، به یکی از علاقه هایش تبدیل شده است.



صبوری در تکاپوی هماهنگی میان بچه ها و نظم دادن به جلسه ای است که تا چند دقیقه دیگر با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین امانی، ویژه کودکان و نوجوانان، ادامه پیدا می‌کند. وقتی از آقای مربی در باره طعم ارتباط مستمر با این رده سنی می‌پرسیم، لبخند می‌زند. از شیرینی های آن می‌گوید و رسالتی که برای تربیت ورزشی و اجتماعی نوجوانان محله بر دوش خود حس می‌کند.

برنامه ریزی برای رشد همه جانبه

هفت طلای کشوری، دارنده طلای آسیایی در مسابقات سال ۲۰۲۰، بهترین داوور مسابقات جهانی در سال ۲۰۲۶، دارنده مدرک داوری درجه ۲ ملی و مربیگری درجه ۳ ملی بخشی از افتخاراتی است که صبوری به دست آورده است. او با وجود اثبات توانمندی هایش در کاراته، موفقیت را چند بُعدی می‌داند و از طرز فکری می‌گوید که به ایجاد پیوست های فرهنگی برای هنرجویان باشگاه مسجد بلال، منجر شده است؛ «رشد باید همه جانبه باشد، نه تک بعدی و ورزشی صرف. برای من که در فضای مسجد زیست کردم و بزرگ شدم، این یک اصل است. اعتقاد دارم هنر جوهای من وقتی به انسان کامل بودن، نزدیک می‌شوند که رشد جسمی و رشد روحی معنوی را با هم تجربه کنند. فلسفه جذب آنان به هیئت نوجوانان مکتب حضرت علی اصغر (ع) همین بود.»

او از تأثیر حضور مستقیم نوجوانان در این هیئت بر عملکرد ورزشی شان این طور می‌گوید: یکی از کارهای مربی، آرام کردن ورزشکار و بالا بردن قدرت روحی او پیش از مسابقه است. بچه های باشگاه، از وقتی به هیئت می‌آیند، به حضرات معصومان (ع) نزدیک تر شده اند. مفهوم توسل به جان شان نشست است. می‌بینم که قبل از مسابقات، در خلوت خودشان به یکی از ائمه معصوم (ع) توسل می‌کنند و با توکل، وارد رقابت می‌شوند.



جذابیت نقش های تازه

مصطفی رضایی
پدر هنرجو محمد طاهر رضایی

به نظر من و به گواه بقیه خانواده، پسر من، محمد طاهر، از یکی دو سال پیش که با استاد صبوری آشنا شده است، دارا از همه نظر رشد می‌کند. منظور من فقط رشد ورزشی نیست. او اخلاقش بهتر شده، روابط عمومی اش خوب شده، همچنین دغدغه های مذهبی و فرهنگی پیدا کرده است. هیئتشان را خیلی دوست دارد و پای ثابت آن است. اینکه انجام مسئولیت دارد، مداحی می‌کند، جزو گروه سرود شده است، جایزه می‌گیرد و پای منبری می‌نشیند که متناسب با سن و فهم او صحبت می‌شود؛ همه این ها برایش جذاب است. آقای صبوری با مؤسسه منتظران ظهور استاد شجاعی همکاری می‌کند. پسر من و بقیه بچه های باشگاه هم به این واسطه، شده اند خادم امام زمان (ع) و در اجتماع های شبانه برای معرفی حضرت، کارهای تبلیغی انجام می‌دهند.

من هم الگو دارم

مرتضی براتی
دانش آموز پایه چهارم، هنرجوی کاراته

از سال ۱۴۰۳ با آقای صبوری و کلاس های مسجد بلال آشنا شدم. قبلاً به هیئت بچه ها رفته بودم اما از وقتی ایشان را شناختم، سه شنبه ها همیشه می‌روم هیئت مخصوص خودمان. جای خیلی باحالی است، چون همه تقریباً هم سن هستیم و حاج آقای روحانی با حوصله برایمان حرف می‌زند. من در هیئت مداحی می‌کنم و پذیرایی و مجریگری. توی هیئت و باشگاه با استاد صبوری، رابطه خوبی دارم. ایشان الگوی من هستند و دلم می‌خواهد وقتی که بزرگ شدم مثل ایشان، یک مربی عالی شوم.



افتتاح یک نانوایی و زمین چمن ورزشی، رونق و نشاط اجتماعی را برای اهالی محله سپس آباد رقم زد

تنور روشن، زمین سبز

۳



عیدگاه

فیضی-تاجی هرکاری که بتواند رضایت خدا را به همراه داشته باشد و گرهی از کار مردم محله باز کند، برایشان ارزش پیگیری دارد. حالا نزدیک به یک دهه از ساخت و فعالیت مجتمع تربیتی آموزشی حضرت مهدی (عج) در محله سپس آباد می‌گذرد؛ مجموعه‌ای که در این سال‌ها تلاش کرده است در کنار فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی، به نیازهای روزمره اهالی نیز پاسخ دهد. هفته گذشته این تلاش‌ها با بهره‌برداری از دو پروژه مهم و کاربردی جلوه تازه‌ای پیدا کرد: یک نانوایی و یک زمین چمن مصنوعی به نام شهید مولایی در رسالت ۸۱ که قرار است به پاتوقی برای کودکان و نوجوانان محله تبدیل شود؛ زمینی که علاوه بر خلق خاطرات شیرین، می‌تواند بستری برای رشد، تربیت و شکوفایی استعدادها و نسل جوان باشد. به همین بهانه در مراسم افتتاحیه حضور یافتیم و گزارشی از این برنامه تهیه کردیم.

چراغی که روشن می‌ماند

صدای صلوات حاضران در فضای نانوایی می‌پیچد. شاطر، دست بر سینه می‌گذارد، «بسم...» می‌گوید و نخستین چانه خمیر را که با نوک انگشتانش پهن کرده است، به تنور می‌سپارد. مادران و پدران محله در کنار مسئولان محلی، آغاز به کار نانوایی را تماشا می‌کنند؛ جایی که قرار است عطر نان تازه، هر روز در محله سپس آباد بیچد. در میان جمع، حجت الاسلام والمسلمین محمد جواد نطافت، مؤسس مجتمع تربیتی آموزشی حضرت مهدی (عج)، از جایگاه نان در فرهنگ اسلامی سخن می‌گوید. او با اشاره به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) که «اگر نان نبود، نماز و روزه و واجبات الهی برپا نمی‌شد»، نان را فراتر از یک خوراک روزمره و یکی از پایه‌های زندگی سالم و معنوی جامعه می‌داند.

او با ابراز نگرانی از کاهش کیفیت نان در سال‌های گذشته، این مسئله را زمینه‌ساز آسیب‌های جسمانی فراوان برای مردم عنوان می‌کند و خطاب به کارکنان نانوایی می‌گوید: ما از دست اندرکاران نانوایی می‌خواهیم کار خود را با وضو، نام خدا و اخلاص آغاز کنند تا برکت این خدمت در زندگی مردم جاری شود و آثار آن در سلامت جسم و عمل صالح جامعه نمایان شود. اولویت اصلی این مجموعه باید تولید نان سالم، باکیفیت و حلال باشد؛ نانی که علاوه بر تأمین نیاز روزانه مردم، به سلامت و آرامش خانواده‌ها نیز کمک کند.

نان‌های کشیده و یکدست، یکی پس از دیگری از دل تنور بیرون می‌آیند. عطر نان تازه در فضای نانوایی می‌پیچد و گرمای مطبوع آن، لبخند را بر چهره حاضران می‌نشانند. تنور روشن است و دست‌های شاطربی وقفه مشغول کار. سنگ بنای این نانوایی با همت و نیک‌اندیشی شهرداری و خیرانی چون حاج علی جلائیان حلاج صحت و به یاد مرحومه طاهری قندی گذاشته شده است؛ کاری ماندگار که امروز در اختیار مجتمع تربیتی و آموزشی حضرت مهدی (عج) قرار گرفته تا ثمره آن به سفره مردم برسد و تربیت نسل آینده را به دنبال داشته باشد.

اکنون قرار است هر روز با پخت نان تازه و باکیفیت، چراغ این خدمت روشن بماند؛ چراغی که روشنایی آن تنها به تنور و سفره خانه‌ها محدود نمی‌شود، بلکه به باور بسیاری از حاضران، روشنی دنیا و آخرت بانیان و خیرانی است که سهمی در شکل‌گیری این مجموعه داشته‌اند.

ورزش، وسیله‌ای برای رشد و نشاط

قرار بعدی ما زمین چمن ورزشی شهید مولایی است؛ زمینی که دقایقی بعد با حضور خانواده‌ها، نوجوانان و مسئولان به بهره‌برداری می‌رسد. از دور، سبزی یکدست چمن‌ها چشم را نوازش می‌دهد. هنوز سوت مسابقه‌ای به صدا در نیامده است، اما می‌توان هیجان روزهای آینده را در نگاه نوجوانان و نوجوانانی دید که اینجا را خانه آرزوهای ورزشی خود می‌دانند. این زمین قرار نیست فقط محلی برای دویدن و بازی باشد؛ قرار است خاطره‌ساز شود، رفاقت بیافریند و بستری برای رشد نسل نوجوان فراهم کند. هر گوشه آن می‌تواند شاهد تلاش، شکست، پیروزی و درس‌هایی باشد که در هیچ کلاس درسی آموزش داده نمی‌شود. حجت الاسلام محمد جواد نطافت در آیین افتتاح این مجموعه، با اشاره به نگاه تربیتی اسلام به ورزش، تأکید می‌کند: نباید به ورزش نگاهی صرفاً تفریحی داشت، بلکه ورزش می‌تواند هدفی الهی داشته باشد و وسیله‌ای برای تربیت، رشد و نشاط جوانان باشد.

او ورزش را فراتر از یک فعالیت جسمانی می‌داند؛ ابزاری برای آموزش مسئولیت‌پذیری، کارگروهی و اخلاق. به باور این مفسر قرآن و نهج البلاغه، اگر در کنار امکانات ورزشی، از مربیان شایسته و فضایی معنوی نیز کمک گرفته شود، زمین‌های ورزشی می‌توانند به مدرسه‌ای برای پرورش انسان‌های توانمند و با اخلاق تبدیل شوند؛ جایی که نشاط جسم با تعالی روح گره می‌خورد و پیوسته‌های فرهنگی و تربیتی آن سال‌ها در زندگی نوجوانان باقی می‌ماند.

امکانات در مسیر مبارزه با آسیب‌ها

در ادامه مراسم، کنار زمین چمنی که حالا صدای خنده و دویدن نوجوانان در آن پیچیده است، مرتضی موحدی مطلق، مسئول آموزش مدرسه علمیه مجتمع تربیتی آموزشی حضرت مهدی (عج) و عضو



شورای اجتماعی محله، از فلسفه شکل‌گیری این مجموعه ورزشی می‌گوید. او پیش از هر چیز، حاضران را به جمله‌ای از حجت الاسلام نطافت مهمان می‌کند؛ جمله‌ای که به گفته او سال‌هاست چراغ راه فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی مجموعه است: «یکی از تأکیدات همیشگی حاج آقا نطافت این است که از پسند حلال باید به پسند امام زمان (عج) برسیم.»

موحدی مطلق این نگاه را به عرصه ورزش نیز تعمیم می‌دهد و می‌گوید: در ورزش هم همین امر صادق است که با بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت ورزش برای تربیت نسل جوان تلاش کنیم.

این طلبه جوان، ورزش را تنها راهی برای پرکردن اوقات فراغت نمی‌داند؛ بلکه آن را ابزاری مؤثر برای کاهش آسیب‌های اجتماعی و بستری مناسب برای تربیت فردی و اجتماعی نسل نوجوان معرفی می‌کند. به همین دلیل است که در این مجموعه فرهنگی مذهبی، ورزش نه یک برنامه جانبی، بلکه بخشی از یک طرح تربیتی و فرهنگی گسترده تر به شمار می‌رود.

یک محله، یک زمین، یک تیم

در میان صحبت‌های او، خبر دیگری نیز توجه نوجوانان حاضر را جلب می‌کند. موحدی مطلق از آغاز به کار مدرسه فوتبال «رویش مهدیار» هم‌زمان با بهره‌برداری از زمین چمن خبر می‌دهد و می‌گوید: هم‌زمان با احداث زمین چمن، این مدرسه فوتبال هم فعالیت خود را شروع کرده و با برگزاری تست‌های استعدادیابی، در حال شناسایی استعدادها و ورزشی و تشکیل تیم فوتبال برای مجتمع و منطقه است.

چند هفته بیشتر از راه اندازی زمین چمن شهید مولایی نگذشته، اما نشانه‌های موفقیت این طرح به خوبی دیده می‌شود. یکی از جوانان محله می‌گوید استقبال از مجموعه فراتر از انتظار بوده است. عصرها و شب‌ها زمین چمن مملو از کودکان، نوجوانان و جوانانی است که برای ورزش و تفریح به اینجا می‌آیند و به سختی می‌توان زمانی خالی در برنامه استفاده از مجموعه پیدا کرد. این استقبال گسترده، به گفته ساکنان محله، نشان می‌دهد منطقه سال‌ها تشنه چنین فضای ورزشی و فرهنگی بوده است.

موفقیت با مردم و خیران

افتتاح نانوایی و احداث زمین چمن مصنوعی اگرچه با همکاری شهرداری به ثمر نشسته، روایت این موفقیت بدون نام مردم و خیران کامل نمی‌شود. موحدی مطلق با اشاره به روند اجرای این دو پروژه می‌گوید: این طرح‌ها با پیشنهاد و پیگیری حاج آقای نطافت آغاز شد و به همت خیران بزرگوار و با همراهی شهرداری به سرانجام رسید. او توضیح می‌دهد که حدود سه چهارم هزینه‌های اجرای این پروژه‌ها توسط خیران و مردم منطقه تأمین شده است؛ مشارکتی که نشان می‌دهد هنوز هم وقتی پای آبادانی محله و آینده فرزندان در میان باشد، مردم می‌توانند بزرگ‌ترین سرمایه یک محله باشند.

بانوان محله سپس آباد، برای شناسایی ظرفیت‌های مردمی در خانه همه اهالی را می‌زنند

همه با هم، یک خانواده بزرگ و مقاوم

که تنها نیستند، به هم متصل اند و در قلب این محله، مسجد قرار دارد؛ جایی برای هم‌صحبتی، همدلی و هم‌افزایی.

● شناسایی ظرفیت‌های پنهان محله

در میان سفیران طرح «خانواده مقاوم»، محبوبه علی محمدی و معصومه گل محمدی، از چهره‌های فعال این حرکت اجتماعی هستند، بانوانی که سال‌هاست در دل کوچه‌های محله قدم می‌زنند و حالا از تجربه‌های میدانی خود می‌گویند.

گل محمدی با اشاره به گستره فعالیت این طرح توضیح می‌دهد: محدود ما از رسالت ۸۵ تا ۹۵ حدود هزار خانه است که تا الان حدود سیصد خانه را سرزده و ظرفیت‌ها را شناسایی کرده‌ایم.

به گفته او، استقبال مردم از این طرح بسیار خوب بوده و اعتماد اولیه اهالی نقش مهمی در پیشبرد کار داشته است: «چون ما را می‌شناسند، تا الان استقبال مردم خیلی خوب بوده است.» علی محمدی ادامه می‌دهد که در جریان این سرکشی‌ها، استعدادها و توانمندی‌های متنوعی در میان ساکنان محله شناسایی شده است؛ از مشاغل و مهارت‌های ساده تا تخصصی؛ «تا الان پرستار، آشپز، خیاط، معلم و حتی مداح هم شناسایی شده‌اند که برای همراهی اعلام آمادگی کرده‌اند.» او در پایان با نگاهی امیدوارانه به این ظرفیت‌های مردمی می‌گوید: برای ما جالب است که چنین ظرفیت‌ها و آدم‌هایی در این محله ساکن هستند؛ آدم‌هایی با روحیه جهادی که اگر شناخته شوند، می‌توانند برای محله بسیار اثرگذار باشند.

● آموزش در دسترس با اسکن

این بره‌شور به ویژه برای نقش‌آفرین‌ترین عضو خانواده، یعنی بانوی خانه طراحی شده است. در آن یک کیوآر کد قرار داده شده است تا دسترسی به محتوای آموزشی ساده‌تر شود. ارضی می‌گوید: با اسکن کیوآر کد، کتابچه آموزشی خانواده مقاوم خیلی راحت دانلود می‌شود؛ یک راهنمای کامل که نکات شناختی، ایمنی، امدادی و مدیریت آرامش خانواده را قدم به قدم توضیح می‌دهد.

او ادامه می‌دهد: زیر همان کد، نشانی رسانه محله هم قرار دارد تا خانواده‌ها بتوانند آخرین خبرهای درست و معتبر محله را دنبال کنند و خبر واقعی را از شایعه تشخیص دهند. به باور او، این طرح در نهایت یک هدف بزرگ‌تر را دنبال می‌کند: تبدیل محله به شبکه‌ای از خانواده‌های متصل و آگاه. اینجا محله مثل یک نقشه می‌شود؛ خانه‌هایی

محمدرضا فیضی در روزهایی که خبرها گاهی رنگ نگرانی می‌گیرند، فعالان محله سپس آباد آستین را بالا زده‌اند و خانه به خانه حال اهالی را جویا می‌شوند. این کار برای اهالی محله سپس آباد معنایی فراتر از یک رفت و آمد معمولی پیدا کرده است؛ نشانه‌ای از توجه، همدلی و حواسی که به زندگی همسایه‌ها جمع است. در دل همین کوچه‌ها و محله‌ها، آرام آرام طرحی اجتماعی با عنوان «خانواده مقاوم» شکل گرفته؛ طرحی که تلاش دارد از دل گفت‌وگو و شناخت، پیوند‌های محلی را محکم‌تر کند.

● ساختن محله‌ای قوی در کنار هم

فاطمه ارضی، فرمانده پایگاه فدک و عضو شورای اجتماعی محله سپس آباد، درباره این طرح می‌گوید: حرف اصلی مادر طرح خانواده مقاوم این است که حال و روز خانواده را جویا شویم؛ ببینیم چه چیزی ذهنشان را مشغول کرده، چه نیازی دارند و چه موضوعاتی را می‌شود در همین محله حل و فصل کرد. در این طرح، نقش «سفیران محله» پررنگ است؛ افرادی که در خانه‌ها حاضر می‌شوند و علاوه بر ارائه بروشور، ظرفیت‌های انسانی محله را نیز شناسایی می‌کنند.

ارضی در این باره توضیح می‌دهد: سفیران محله هم بروشور خانواده مقاوم را تقدیم می‌کنند، هم توانایی و تخصص آدم‌ها را می‌پرسند تا ظرفیت‌ها مشخص شود؛ یکی می‌گوید معلم، یکی می‌گوید پرستار، یکی هم می‌گوید کار فنی بلد. هرکس یک قابلیت دارد، فقط کافی است شناخته شود تا محله قوی‌تر کنار هم بایستد.



● برنامه‌ات برای آینده چیست؟

دوست دارم اگر روزی کاراته دوباره وارد بازی‌های المپیک شد، بتوانم در المپیک شرکت کنم، در غیر این صورت ارزوی کسب مدال‌های طلای مسابقات آسیایی و سایر رقابت‌های مهم را دارم.

● ورزش چه تأثیری بر درس و زندگی تو داشته است؟

ورزش باعث شده است برنامه‌ریزی دقیق‌تری داشته باشم و تمرکز بیشتر شود. در رشته کومیتو باید بتوانیم در یک لحظه از فرصت طلایی استفاده کنیم. من همین موضوع را در همه جنبه‌های زندگی و به ویژه درس خواندن هم رعایت می‌کنم. احساس می‌کنم ورزش باعث شده است ذهنم خلاق‌تر شود و کارهایم را منظم‌تر انجام دهم.

● به نظر وضعیت امکانات ورزشی محله چطور است و چه پیشنهادهای برای بهبودش داری؟

به نظر من، هزینه کلاس‌ها با توجه به امکانات نه چندان مناسب سالن‌ها، زیاد است. امکانات ورزشی کافی نیست؛ مثلاً تعداد کلاس‌های کاراته در محله کم است و بعضی باشگاه‌ها فضای مناسبی ندارند. همین موضوع باعث شده است بعضی بچه‌ها با وجود علاقه به ورزش نتوانند در کلاس‌ها شرکت کنند.

● اگر روزی به آرزوهای ورزشی‌ات برسی، دوست داری چطور به دیگران کمک کنی و برای شهر و محله مفید باشی؟

دوست دارم تجربه‌هایی را که کسب کرده‌ام و راه و روش‌هایی را که با آن به موفقیت‌هایی دست پیدا کرده‌ام، در اختیار بچه‌های دیگر هم قرار دهم. استعدادها و پیشانی‌ها را شناسایی و کمکشان کنم تا به جایگاه خوبی برسند.

نوجوان ورزشکار محله پنجتن از موفقیت‌هایش در کاراته می‌گوید

علاقه کودکان‌ای که به مدال کشوری رسید



● حضور در اولین مسابقه کشوری چه حسی داشت؟

طبیعی بود که استرس زیادی داشته باشم، چون اولین تجربه مسابقه بود و رده کمر بند من هم پایین‌تر بود. با این حال فضای مسابقات خیلی هیجان‌انگیز و دوست‌داشتنی بود، به ویژه بخش کومیتو. وقتی مقام آوردم، احساس کردم نتیجه زحمت‌ها و تمرین‌هایم را دیده‌ام.

● تا امروز چه افتخارات و سوابقی در ورزش داشته‌ای؟

در مجموع تا به حال یک نقره و برنز کشوری و دو طلای استانی دارم. پارسال هم در مسابقات کاراته وان انتخابی تیم ملی در اردبیل شرکت کردم.



سکینه تاجی ورزش برای بسیاری دختران فقط یک فعالیت روزمره نیست؛ مسیری است برای ساختن رؤیاها، تقویت اعتماد به نفس و رسیدن به هدف‌های بزرگ. موفقیت در ورزش از علاقه آغاز می‌شود و با پشتکار، تمرین و تلاش ادامه‌پذیر می‌شود. محیا پایا یکی از دختران نوجوان محله پنجتن است که ورزش را جدی دنبال می‌کند و برای رسیدن به آرزوهای خود برنامه‌ریزی دارد. او با چهارده سال سن، دارنده مدال‌های کشوری در رشته کاراته است و به دنبال علاقه کودکان‌اش به ورزش‌های رزمی به دنیای آن قدم گذاشت و حالا آرزوهای بزرگی در سر دارد.

● چطور با کاراته آشنا شدی؟

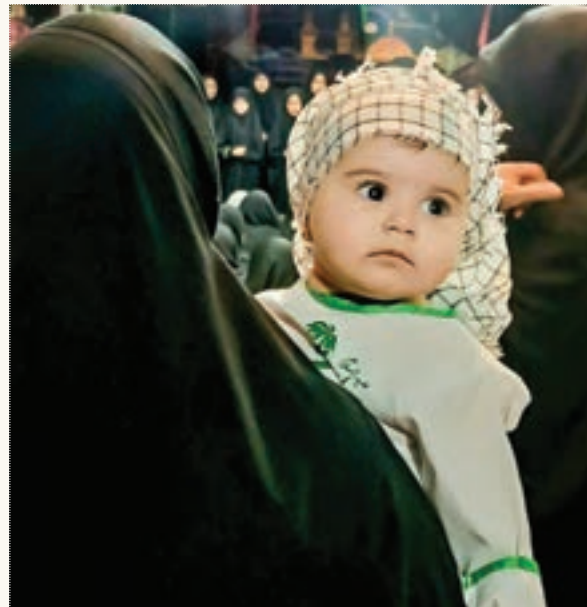
من و خواهر کوچکم قبل از اینکه درباره این ورزش بدانیم، در خانه با بالشتک‌های مبل با هم تمرین می‌کردیم. بعداً که مادرم علاقه و استعداد ما را در ورزش دید، کلاس‌های مختلفی را به ما نشان داد اما از بین همه رشته‌ها، ما باز هم کاراته را انتخاب کردیم. کلاس ششم بودم که وارد باشگاه شدم و وسبک و ادوربو را به صورت جدی شروع کردیم.

● اولین تجربه حضور در مسابقات رسمی چگونه رقم خورد؟

اولین مسابقه ام سال ۱۴۰۳ در مشهد بود؛ مسابقات کشوری کاراته که در سالن کوثر برگزار شد. در رشته کومیتو شرکت کردم و موفق شدم مقام دوم کشوری را به دست بیاورم. خواهرم هم در همین مسابقات مقام سوم را کسب کرد.



زهرا محمدی، مادر بزرگی است که به همراه نوه اش در این مراسم حضور یافته است. او با اشاره به حال و هوای معنوی این برنامه می‌گوید: هرچه داریم از روضه‌های امام حسین (ع) است و دوست داشتیم نوه ام هم در این فضا بزرگ شود و با فرهنگ حضرت رباب آشنا باشد. از خدا می‌خواهم نسل جدید با این مجالس همراه بمانند و همیشه عاشورایی و زینبی زندگی کنند.



عکس: پورعباس جعفری، سادات مهدوی

مهدیه بزدی در این مراسم با فرزند دوماهه اش شرکت کرده است. او می‌گوید: محمدرضا دوماهه است. حضور در این جمع، حس خیلی قشنگی دارد و انگار آدم تنها نیست. فرزندم امانت خداست و دلم می‌خواهد او را طوری تربیت کنم که سر باز امام زمان (عج) باشد.



مراسم شیرخوارگان حسینی با حضور ۱۵۰ مادر و کودک در کانون فرهنگی تبلیغی بیت‌المهدی (عج) برگزار شد

لالایی مادران محله التیمور برای کوچک‌ترین شهید کربلا

مآده داوریان، خبرنگار افتخاری کانون فرهنگی تبلیغی بیت‌المهدی (عج) در محله التیمور، جمعه گذشته میزبان آیین شیرخوارگان حسینی بود. در این مراسم که با حضور حدود ۱۵۰ مادر و نوزاد برگزار شد، نام حضرت علی اصغر (ع) کوچک‌ترین شهید واقعه کربلا، زنده شد. مادران در حالی که نوزادان خود را در آغوش داشتند، در سوگ طفل نشش ماهه امام حسین (ع) به عزاداری پرداختند و با قرائت دعا و مرثیه خوانی، ارادت خود را به خاندان اهل بیت (ع) نشان دادند. خادمان بیت‌المهدی (عج) نیز از روزهای ابتدایی ماه محرم با آماده‌سازی فضا، سیاه پوش کردن مجموعه و فراهم کردن مقدمات برگزاری مراسم، زمینه حضور خانواده‌ها را فراهم کرده بودند.



زهرا سادات مرشدلو مسئول برگزاری این مراسم است. او سال گذشته پسرش را به نام «علی اصغر» مزین کرده است و امروز هم با همان کودک که هشت ماه دارد، در این مراسم میزبان مادران است. مرشدلو می‌گوید: برای برپایی این مراسم، همه خادمان بیت‌المهدی (عج) از مدت‌ها قبل زحمت کشیدند. از تهیه لباس تا پذیرایی و... شک ندارم اجر این کارها را صاحب نام این مکان مقدس به آن‌ها خواهد داد.



در حاشیه مراسم روضه، ندا نورانی، مادر نوزادی شش ماهه، می‌گوید: عشق به حضرت علی اصغر (ع) پلی است برای رسیدن دل مادران به انسانیت و ایستادگی در برابر ظلم. او با بغض ادامه می‌دهد: فرزندم را با نام حسین (ع) بزرگ می‌کنم.